



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۹۰	تاریخ	۱۴۰۴/۰۱/۲۴
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	دلیل چهارم: استدلال به حکم عقل بر حجیت خبر واحد				
عنوان ۵	تفاوت اثبات حجیت خبر با دلیل شرعی و اثبات آن با علم اجمالی				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور مباحث پیشین

پیشتر اشاره شد که مرحوم آیت الله صدر رحمته الله بیان مفصلی در این زمینه ارائه فرموده اند. بحث ما پیرامون این پرسش بود که آیا از نظر اثر عملی، تفاوتی میان اثبات حجیت خبر واحد به وسیله دلیل شرعی و اثبات وجوب عمل به آن بر اساس علم اجمالی وجود دارد؟ زیرا مبحث اخیر ما، بررسی دلیل عقلی بر وجوب عمل به خبر واحد بود؛ دلیلی که مبتنی بر علم اجمالی است و گاه به «حجیت» نیز تأویل می شود؛ هر چند بیان شد که مقصود از حجیت در این سیاق، همان وجوب عمل به خبر بر پایه علم اجمالی است، نه حجیت اصطلاحی.

پرسش این است: آیا تفاوتی دارد که وجوب عمل به خبر واحد را از طریق علم اجمالی اثبات کنیم یا از طریق دلیل حجیت؟ در این مقام، سه بحث کلی مطرح است:

۱. در مقام اصول عملیه: آیا در مواردی که اصل عملی جاری است، تفاوتی میان اثبات وجوب عمل به خبر با دلیل حجیت و اثبات آن با علم اجمالی وجود دارد؟

۲. در مقام اصول لفظیه: اگر حجیت خبر واحد با دلیل حجیت ثابت شود، آیا در ارتباط با اطلاعات و عمومات کتاب و سنت، تفاوتی با حالتی دارد که وجوب عمل به خبر را از طریق علم اجمالی اثبات کنیم؟ به عبارت دیگر، هنگامی که اطلاق یا عمومی در کتاب یا سنت وجود دارد و خبر واحدی نیز وارد شده است، آیا نحوه اثبات اعتبار خبر (با دلیل حجیت یا علم اجمالی) در تعامل آن با اصل لفظی مؤثر است؟

۳. در مقام تعارض: اگر دو خبر واحد با یکدیگر تعارض کنند، آیا تفاوتی می کند که حجیت آنها با دلیل حجیت ثابت شده باشد یا وجوب عمل به آنها از طریق علم اجمالی؟ اگر حجیت دو خبر متعارض با دلیل حجیت ثابت شده باشد، قواعد باب

تعاادل و تراجیح بر آنها جاری می شود. آیا در صورتی که وجوب عمل به این دو خبر از طریق علم اجمالی اثبات گردد نیز، همین قواعد به همان شکل جاری خواهد بود یا تفاوت خواهد داشت؟
این سه، مباحث اصلی هستند.

بحث نخست این بود که در موارد جریان اصول عملیه، آیا تفاوتی میان اثبات حجیت خبر با دلیل حجیت و اثبات وجوب عمل به آن با علم اجمالی وجود دارد؟

بیان شد که به نظر مرحوم آیت الله خوئی رحمته الله علیه، اگر خبر و اصل عملی موافق یکدیگر باشند (متوافقین)، یعنی در هنگامی که هر دو ترخیصی باشند یا هر دو الزامی باشند، ثمره ای مترتب نیست. در این حالت، تفاوتی نمی کند که وجوب عمل به خبر از کدام طریق (دلیل حجیت یا علم اجمالی) اثبات شده باشد.

اما اگر خبر و اصل عملی مخالف یکدیگر باشند (متخالفین)، مثلاً خبر ترخیصی و اصل الزامی، یا بالعکس، در اینجا ثمره ظاهر می شود. به فرموده مرحوم آیت الله خوئی، اگر اصل، الزامی و خبر، ترخیصی باشد: چنانچه حجیت خبر با دلیل حجیت اثبات شود، خبر بر اصل، حکومت خواهد داشت. اما اگر وجوب عمل به خبر از طریق علم اجمالی اثبات شود، اصل الزامی مقدم می شود؛ زیرا این اصل با علم اجمالی به وجود احکام الزامی موافقت دارد. در این صورت، خبر ترخیصی که با این علم اجمالی و اصل الزامی مخالفت دارد، قابل اخذ نیست. بنابراین، در فرض تخالف، ثمره عملی پدیدار می گردد.

مرحوم آیت الله صدر تفصیل بیشتری قائل اند. ایشان با ذکر مقدمه ای بیان می کنند که علاوه بر علم اجمالی به وجود احکام الزامی در ضمن اخبار واحد، علم اجمالی دیگری نیز به وجود احکام ترخیصی متعدد در ضمن همین اخبار وجود دارد.

تبیین نظر شهید آیت الله صدر رحمته الله علیه

ایشان برای تبیین مطلب، بحث را به شش فرض تقسیم می کنند که نیازمند دقت فراوان است. توصیه می شود دوستان به تقریرات این مباحث، مراجعه نمایند. البته آنچه ما بیان می کنیم، از یادداشت های خودمان است که به نظر روشن تر از دو تقریر دیگر است و بعد از آن، به نظر می رسد تقریرات مرحوم آیت الله هاشمی شاهرودی در این بخش، وضوح بیشتری نسبت به تقریرات آیت الله حائری داشته باشد. این مباحث، تسلط اصولی را بیشتر می کند. یک اصولی باید بر این مباحث مسلط باشد و بداند کجا مجرای اصل است و کجا نیست و در تعارض اصل و خبر چگونه عمل کند؛ لذا این تحقیقات، لازم است برای دستیابی به اجتهاد.

شش فرض مذکور از تقسیم دو فرض اصلی به دست می آید:

- فرض اصلی اول: خبر و اصل، متوافق باشند.
- فرض اصلی دوم: خبر و اصل، متخالف باشند.

ابتدا فرض اول (توافق خبر و اصل) بررسی می شود که در این فرض، آیا تفاوتی می کند که وجوب عمل به خبر از طریق دلیل حجیت اثبات شود یا از طریق علم اجمالی؟
فرض توافق، خود به دو صورت قابل تصور است:

الف. هر دو (خبر و اصل) ترخیصی باشند. به عنوان مثال، در شک در وجوب دعا هنگام رؤیت هلال، اصل برائت (که اصلی ترخیصی است) عدم وجوب را حکم می‌کند. حال اگر خبری نیز وارد شده باشد مبنی بر عدم وجوب این دعا، هر دو ترخیصی خواهند بود.

ب. هر دو (خبر و اصل) الزامی باشند.

صورت سوم، یعنی تخالف، که یکی الزامی و دیگری ترخیصی است، بعداً بررسی خواهد شد. هر یک از این سه حالت کلی (توافق ترخیصی، توافق الزامی، تخالف) نیز باید از دو منظر تحلیل شود:

۱. نسبت مدلول مطابقی خبر با اصل عملی.

۲. نسبت مدلول التزامی خبر با اصل عملی.

بنابراین، اگر خبر با اصل متوافق و هر دو ترخیصی بودند، باید دو نسبت را بررسی کرد: ۱. نسبت مدلول مطابقی خبر با اصل. ۲. نسبت مدلول التزامی خبر با اصل؛ زیرا ممکن است مدلول مطابقی خبر با مدلول التزامی آن متفاوت باشد. مثلاً خبری که بر عدم وجوب نماز جمعه در ظهر جمعه دلالت دارد (مدلول مطابقی ترخیصی)، ممکن است به دلالت التزامی، بر وجوب نماز ظهر در همان زمان دلالت کند (مدلول التزامی الزامی)، با توجه به علم خارجی به اینکه یکی از این دو نماز در ظهر جمعه واجب است.

این تقسیم مدلول مطابقی و التزامی، در هر سه صورت اصلی (توافق ترخیصی، توافق الزامی، تخالف) جاری است. لذا مجموعاً شش صورت کلی پدید می‌آید، هرچند، صورت تخالف نیز خود دو قسم است؛ اما آن را یک صورت اصلی در نظر گرفتیم تا تکثیر صور کمتر شود.

تحلیل فرض اول: توافق ترخیصی (اصل و خبر هر دو ترخیصی)

در این فرض، هم اصل عملی جاری، ترخیصی است - مانند اصل برائت در شک در وجوب دعای رؤیت هلال - و هم خبر وارد شده، ترخیصی است - مثلاً خبری که تصریح به عدم وجوب آن دعا دارد -.

بررسی از منظر مدلول مطابقی

اگر مدلول مطابقی خبر، ترخیصی باشد - که مطابق فرض است -، ثمره عملی میان اثبات حجیت خبر با دلیل حجیت و اثبات وجوب عمل به آن با علم اجمالی وجود ندارد. زیرا در هر دو صورت، نتیجه ترخیص است. البته از نظر علمی، اگر حجیت خبر با دلیل شرعی ثابت شود، بر اصل عملی حاکم خواهد بود؛ هرچند هر دو به ترخیص حکم می‌کنند. اما در نهایت، اثر عملی یکی است.

بررسی از منظر مدلول التزامی

حالت اول: مدلول التزامی نیز ترخیصی است: اگر مدلول التزامی خبر نیز مانند مدلول مطابقی آن و اصل عملی، ترخیصی باشد، باز هم تفاوتی میان دو مبنا (اثبات با دلیل حجیت یا علم اجمالی) وجود ندارد و ثمره‌ای ظاهر نمی‌شود. نتیجه در هر حال، ترخیص است.

حالت دوم: مدلول التزامی، الزامی است؛ اینجا وضع متفاوت می شود. اگر خبر، مدلول مطابقی ترخیصی دارد - مانند عدم وجوب نماز جمعه - اما مدلول التزامی الزامی دارد - مانند وجوب نماز ظهر - و اصل عملی جاری در مسئله نیز ترخیصی است - مثلاً أصالة البرائة از وجوب نماز جمعه^۱ - در این صورت:

اگر حجیت خبر با دلیل حجیت شرعی ثابت شود: همان طور که مدلول مطابقی حجت است، مدلول التزامی آن - که بر فرض، الزامی است - نیز حجت خواهد بود. این مدلول التزامی الزامی، بر اصل عملی ترخیصی حاکم می شود و نتیجه، لزوم عمل به آن الزام است. در این صورت، اصل برائت جاری نخواهد شد؛ زیرا دلیل معتبر بر الزام وجود دارد و با وجود دلیل معتبر، نوبت به اصل نمی رسد.

اگر وجوب عمل به خبر با علم اجمالی اثبات شود: در این حالت، گفته می شود که اصل عملی ترخیصی مقدم می شود و نمی توان به مدلول التزامی الزامی خبر عمل کرد. دلیل این امر آن است که علم اجمالی مستند وجوب عمل به خبر، با علم اجمالی دیگری که به وجود ترخیصیات در میان اخبار داریم، معارضه می کند. اصل عملی ترخیصی جاری در اینجا، مؤید آن علم اجمالی به وجود ترخیص هاست و موجب می شود علم اجمالی اول - که می توانست منشأ الزام باشد - از تنجیز ساقط گردد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. البته مثال هایی که ذکر می شود، صرفاً برای تسهیل تصور مطلب است؛ وگرنه مثال های متعددی در فقه برای این مباحث وجود دارد. همچنین لازم به ذکر است که گاهی این انتقاد مطرح می شود که مثال های به کار رفته در کتب فقهی یا اصولی در این موارد، مثال هایی ساده و ابتدایی هستند. در پاسخ باید گفت این امر، خود یک فن تعلیمی است؛ مثالی ارائه می گردد که فهم آن در مقام آموزش آسان باشد تا فراگیر بتواند به سرعت، مطلب علمی را بر آن مثال تطبیق دهد. اگر از ابتدا بنا بر طرح مثال ها و مسائل پیچیده فقهی باشد، ممکن است موجب سردرگمی یا دشواری فرآیند یادگیری برای متعلم گردد. بنابراین، هدف از به کارگیری مثال های آسان تر، تسهیل فهم مطلب است.